مقامات

آخرین توضیحات درباره بازگشت زندانیان به اوین

اصغر جهانگیری، سخنگوی قوه قضائیه در رابطه با بازگشت زندانیان زندان اوین گفت: «از همان روزی که حمله تجاوزگران رژیم صهیونیستی به زندان اوین انجام شد، ریاست قوه قضائیه به سازمان زندان‌ها و دادستانی دستور داد که در اسرع وقت باید زندانیانی که به صورت فوق‌العاده به زندان‌های دیگر فرستاده شدند، به زندان اوین بازگردند. در این رابطه با پیگیری‌های به عمل آمده در روز گذشته با دستور دادستان تهران و پیگیری‌های وی، ۵۰۰ نفر از زندانیانی که به زندان تهران بزرگ فرستاده شده بودند، بدون هیچ مسئله و مشکلی به زندان اوین بازگشتند و تعداد دیگری از زندانیانی که تشخیص داده شد بازگرداندن آنها به زندان اوین به مصلحت نیست به زندان‌های دیگر فرستاده شدند.» وی گفت: «امیدواریم همه زندانیانی که در زندان اوین بودند در اسرع وقت به این زندان بازگرداننده شوند.»

وضعیت پرونده جاسوسان

سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سوالی درباره وضعیت رسیدگی به پرونده جاسوسانی که در ماجرای اخیر دستگیر شدند، همچنین درباره وضعیت جاسوسانی که قبل از این جنگ و در طول دوران جنگ دستگیر شدند، گفت: «ممکن است برخی با ظن جاسوسی دستگیر شده باشند و در ادامه این ظن برطرف شود لذا ما باید به دستگاه‌های ذی‌ربط اطلاعاتی و امنیتی اجازه دهیم تا پرونده‌هایی را که در این رابطه تشکیل داده‌اند با دقت بررسی و حقوق متهمان را رعایت کنند.»

جهانگیر گفت: «برخی از پرونده متهمان جاسوسی که در ایام منتهی به جنگ ۱۲ روزه و پیش از شروع جنگ با شناسایی وزارت اطلاعات تشکیل شد، این افراد در اعترافاتی که داشتند ماموریت‌های خود را در رابطه با جنگ ۱۲ روزه تشریح کرده بودند که با آنها برخورد قانونی لازم صورت گرفته یا در حال انجام است همچنین تخلیه اطلاعاتی صورت گرفته است.» وی ادامه داد: «در رابطه با کسانی که در شروع جنگ به نحو مختلف با رژیم غاصب صهیونیستی همکاری داشتند یا ظن همکاری نسبت به آنها وجود داشت یا اینکه از طرف ضابطین یا مردم شناسایی و بازداشت شدند، پس از رسیدگی مشخص شده است که موضوع عده‌ای از این افراد ارتباطی با جاسوسی نداشته یا از اتهامات دیگری برخوردار بودند لذا نوع اتهامی آنها تغییر کرده یا مشخص شده کلاً ارتباطی با رژیم صهیونی ندارند و به کلی اتهامات از آنها منتفی شده و آزاد شدند. برخی از کسانی که از نوع جاسوسی و به نحوه عملیات، پشتیبانی کننده و همکاری با رژیم مرتبط بودند علاوه بر تشکیل پرونده ابعاد آن نیز در حال رسیدگی است و به دلیل اینکه رسیدگی در مرحله تحقیقاتی قرار دارد اطلاعات تکمیلی پس از تکمیل پرونده‌ها و قطعی شدن آرای آنها به اطلاع ملت شریف ایران خواهد رسید.»

دور جدید دادگاه منافقین

سخنگوی قوه قضائیه خاطرنشان کرد: «اتهامات اصلی این گروهک تروریستی شامل جنایات تروریستی علیه مردم و مسئولان و همکاری گسترده با رژیم بعث عراق و نمایندگی آمریکا و اسرائیل در جنگ علیه ایران است.» جهانگیر گفت: «دور جدید دادگاه از سه‌شنبه هفته گذشته به ریاست قاضی دهقانی آغاز شده است و در جلسات آتی به بررسی بیشتر اتهامات گروهک در همکاری با دولت‌های متخاصم پرداخته خواهد شد. ان‌شاءالله نتایج این دادگاه به ملت شریف ایران اعلام خواهد شد.»

آخرین وضعیت پرونده بندر شهید رجایی

در رابطه با آخرین وضعیت پرونده انفجار در بندر شهید رجایی گفت: «اقدامات متعددی در خصوص این پرونده انجام شده است. طبق آخرین پیگیری‌ها از دادگستری استان هرمزگان، گزارش دادند که ماه گذشته از مسئولان بیمه مرکز، مدیران ارشد بیمه‌های استان و جمعی از تجار و بازرگانانی که در این حادثه خسارت دیده‌اند، دعوت شده و نشست‌هایی برای تسریع در پرداخت خسارت‌ها برگزار شده است. در این جلسات بیمه مرکز گزارش‌هایی در رابطه با خسارت‌های پرداختی ارائه کرده است. در نشست خرداد اعلام کرده بودیم مبلغ ۴۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان در حق ۴۱ نفر کارسازی و پرداخت شد که براساس آخرین اطلاعات دیه همه ۵۸ نفر متوفی پرداخت شد. درخصوص خسارات تائید شده خودروهای زیان دیده فاقد بیمه بدنه که هزار و ۵۸۷ خودرو بودند، قبلا اعلام کرده بودیم که ۵۵۱ خودرو پرداخت شده بود، هم اکنون همه هزار و ۵۷۷ خودرو ارزیابی شد و خسارتشان به صورت کامل پرداخت شده است.»

عکس: جماران

دوران جدید سایه‌نشین

بررسی مسیر سیاسی که سعید جلیلی از ۱۳۶۸ تا به امروز طی کرده است

فرهاد فخرآبادی
خبرنگار گروه سیاست

کارنامه سیاستمدار

شاید اگر روند حذف‌ها و طرد کردن‌ها در جریان اصول‌گرا نبود، هیچگاه این فرصت فراهم نمی‌شد که در حضور چهره‌های شاخص و استخوان‌دار سیاستِ ایران، زمین بازی برای افرادی فراهم شود که از بسیاری جهات، کوچکتر از دانه‌درشت‌ها محسوب می‌شدند. اما به هر ترتیب، گردش ایام در بین اصول‌گرایان و حذف کردن خودی‌ها، کار را به جایی رساند که خودشان با دست خودشان، چهره‌هایی چون اکبر هاشمی‌رفسنجانی، ناطق‌نوری، حسن روحانی، علی لاریجانی و... را کنار زده و از دل این حذف‌ها، میدان برای حضور افرادی چون محمود احمدی‌نژاد و سعید جلیلی فراهم شود. حالا این روزها باز هم حرف از سعید جلیلی است، اوپس از صادر شدن حکم انتصاب علی لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی، جمله‌ای جنجالی در یکی از سخنرانی‌هایش بیان کرده که واکنش‌هایی را در برداشته و این سوال را ایجاد کرده است که با تغییر و تحولات صورت گرفته، مسیر سعید جلیلی به کدام سمت خواهد رفت.

بررسی راهی که سعید جلیلی در سیاست ایران سپری کرده، ما را به سه مقطع در زندگی سیاسی او می‌رساند تا اینکه این روزها می‌توان از ورود او به چهارمین مقطع زندگی سیاسی سخن گفت؛ مقطعی که می‌توان پیش‌بینی کرد برای او و طیف حامی‌اش بسیار سخت‌تر از سایر مقاطع باشد.

سال‌های گمنامی

اولین مقطع از زندگی سیاسی او را می‌توان مربوط به سال‌های پایانی دهه ۶۰ تا نیمه اول دهه ۸۰ دانست؛ مقطعی که خبری از حاشیه و جنجال پیرامون سعید جلیلی نبوده و او برای افکار عمومی، چهره‌ای گمنام محسوب می‌شود. پس از اینکه مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه امام صادق می‌گیرد، در سال ۶۸ و در اولین دولت هاشمی‌رفسنجانی، وارد وزارت خارجه می‌شود و تا سال ۸۰ در سمت‌های مختلفی از وزارت خارجه حضور دارد که مهم‌ترین آنها را می‌توان معاونت اداره اول آمریکا دانست. در همین مقطع، حضور در وزارت خارجه او را به این باور می‌رساند که می‌تواند جایگاهی سیاسی را به‌دست آورد. پس در انتخابات مجلس ششم اولین چالش سیاسی زندگی خود را در دستور کار قرار می‌دهد و از حوزه مشهد کاندیدا می‌شود ولی نمی‌تواند رای لازم را برای رسیدن به پارلمان به‌دست آورد. در سال ۸۰ و دولت دوم خاتمی، از وزارت خارجه بیرون می‌رود و کار خود را به عنوان مدیر بررسی‌های جاری دفتر رهبری شروع می‌کند تا اینکه دولت احمدی‌نژاد روی کار آمده و او وارد مقطع جدیدی از زندگی می‌شود.

سعید جلیلی، پس از دومین شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری، جایی که احساس کند نقش خودش در خطر قرار می‌گیرد، شخصاً وارد عمل می‌شود. به نوعی جلیلی این توانایی را در خودش می‌بیند که نقش لیدر تندروها را بازی کند؛ موضوعی که می‌تواند ناشی از میزان رای او در انتخابات باشد

سال‌های مذاکره

با رسیدن محمود احمدی‌نژاد به ریاست دولت، زمینه برای حضور سعید جلیلی در ارکان بالای سیاسی فراهم می‌شود و نام خود را در رسانه‌ها و برای افکار عمومی مطرح می‌کند. او ابتدا به وزارت خارجه برگشت و دو سال اول دولت احمدی‌نژاد را در جایگاه معاونت اروپا و آمریکا این وزارتخانه حضور داشت تا اینکه در سال ۸۶، جای علی لاریجانی را در دبیری شورای عالی امنیت ملی گرفت و نفر اول تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران شد. از این مقطع، نام سعید جلیلی برای افکار عمومی آشنا می‌شود. او ۶ سال مشغول مذاکره با اروپا بر سر پرونده هسته‌ای ایران بود و در این سال‌ها، خود را تبدیل به چهره‌ای مطرح در رسانه‌ها کرد. درباره سال‌هایی که او مشغول مذاکره بوده و روشی که در مذاکرات به کار می‌برده، اشاره به دو جمله می‌تواند جالب توجه باشد؛ اولین جمله، بحثی است که ویلیام برنز، معاون وقت وزارت خارجه آمریکا در کتاب خاطراتش با نام «کانال پشت پرده» درباره او گفته است: «جلیلی شروع به سخنرانی ۴۰ دقیقه‌ای و فلسفه‌بافی بی‌مورد درمورد فرهنگ و تاریخ ایران می‌کرد... جلیلی وقتی می‌خواست از پاسخگویی مستقیم طفره رود، به طرز شوکه‌کننده‌ای، سخنان مبهم به زبان می‌آورد.» موضوعی که علی‌اکبر ولایتی، وزیر خارجه اسبق ایران هم درباره آن در سال ۹۲ اینگونه گفته بود: «دیپلماسی این نیست که انسان برود در برابر کشورهای دیگر خطابه بخواند و مطلبی را بیان کند؛ دیپلماسی این نیست که ما یک طرف بنشینیم و طرف مقابل هم بنشیند و ما یک حرف مشخصی را بزنیم، بدون اینکه اقدامات دیگری خارج از اینها انجام دهیم.»

دوره سایه‌نشینی

در آخرین ماه‌هایی که محمود احمدی‌نژاد بر صندلی پاستور تکیه کرده بود، او که توانسته بود طی ۶ سال حضور در مذاکرات هسته‌ای خود را تبدیل به چهره کند، وارد مقطع جدیدی از زندگی سیاسی شد. ابتدا تصمیم می‌گیرد که دومین شانس خود را برای کاندیداتوری امتحان کند و با حمایت محمدتقی مصباح‌یزدی، انصار حزب‌الله و جبهه پایداری در سال ۹۲ کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری شود اما تقریباً ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار رای می‌آورد.

با آغاز به کار حسن روحانی، دوره قدرت داشتن او هر چند در ترکیب شورای عالی امنیت ملی همچنان حضور دارد اما دیگر دبیر نیست و نقشی در مذاکرات هسته‌ای ایران ندارد. در این مقطع است که او از دولت سایه سخن می‌گوید، خودش می‌گوید این دولت سایه برای کمک به دولت است اما چیزی که به نمایش در می‌آید، این است که هم طیف‌های او در جبهه پایداری و تفکراتی شبیه این جبهه، تمام تلاش خود را برای ناکام گذاشتن دولت روحانی در آن ۸ سال انجام می‌دهند. طی همین مدت، در انتخابات ۹۶ ثبت‌نام نکرد ولی در بین حامیان سیدابراهیم رئیسی بود. در سال ۱۴۰۰ ثبت‌نام کرد اما به نفع رئیسی کنار کشید. پس از رسیدن رئیسی به ریاست‌جمهوری، سعید جلیلی یکبار دیگر به سایه برگشت. نکته جالب توجه این است که در این دوره زمانی ۳ ساله‌ای که رئیسی در رأس قوه مجریه بود، اختلاف‌نظرهای جلیلی با تیم سیاست خارجی درباره مذاکره برقرار بود و به نظر می‌رسد او از خودی‌ها هم راضی نبود.

عصر چهارم

سقوط بالگرد سیدابراهیم رئیسی و به‌دنبال آن برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری، نقطه‌ای بود که باعث شد جلیلی برای مدتی از سایه خارج شده و باز هم هوس رئیس‌جمهور شدن به سرش بزند. این بار بر خلاف سال ۹۲، حامیان بیشتری را پیدا کرده بود اما باز هم نتوانست موفق باشد تا سومین تجربه انتخاباتی‌اش هم با شکست روبه‌رو شود. موضوع مهم درباره انتخابات سال ۱۴۰۳، این است که درگیری‌های سعید جلیلی با اصول‌گرایان در این انتخابات به اوج می‌رسد و راضی به کناره‌گیری نمی‌شود؛ تا جایی که جلسه مشترک جلیلی، قالیباف و سردار قاآنی هم به‌نتیجه منتهی نمی‌شود.

نکته دیگر این است که او در دو شکست انتخاباتی اصول‌گرایان از اصلاح‌طلبان در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۴۰۳ نقش ویژه‌ای داشته است. به عبارتی او که در جست‌وجوی قدرت است، به گونه‌ای کار کرده که از روند کاری‌اش، اصلاح‌طلبان بیشترین استفاده را کردند. مثلاً در همین انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته، نمی‌توان کتمان کرد که بخشی از افرادی که به مسعود پزشکیان رای دادند، علت رای دادن خود را تلاش برای پیشگیری از قدرت گرفتن جلیلی و حامیانش می‌دانستند. به عبارتی ترس از سعید جلیلی، بخشی از مردم را به سمت پزشکیان آورد. حالا تصور کنید که سعید جلیلی در انتخابات کاندیدا نمی‌شد. شاید در آن صورت، باز هم با برگزاری انتخاباتی خلوت و کم‌مشارکت، یک اصول‌گرای دیگر به ریاست‌جمهوری می‌رسید.

در جریان انتخابات سال ۱۴۰۳، او دائم از برنامه‌هایش در دولت سایه سخن می‌گفت اما نکته جالب این است که بعد از انتخابات، مسعود پزشکیان به او پیشنهاد می‌دهد که برنامه‌هایش را در یک استان اجرا کند. موضوعی که سیدجمال هادیان، نویسنده و روزنامه‌نگار آن را مطرح کرده: «مهمان رئیس‌جمهور پزشکیان بودیم. در فرازی نقل به مضمون گفتند «اخیراً سعید جلیلی را در جلسه‌ای دیدم. دوباره ادعا کرد برنامه دارد! به او گفتم شما که ادعا داری بیا مسئولیتی مثلاً

ناصر ایمانی تحلیل‌گر سیاسی اصول‌گرا:

سعید جلیلی جایگاه موثری در سیاست ایران ندارد

ناصر ایمانی، تحلیل‌گر سیاسی اصول‌گرا در گفت‌وگویی که با خبرنگار هم‌میهن داشت معتقد است که آنچه که سعید جلیلی می‌گوید، نظر شخصی اوست و او هم می‌تواند نظرش را بگوید. ایمانی تاکید می‌کند که سعید جلیلی جایگاهی در سیاست ایران ندارد و نمی‌تواند با اظهانظرهایش روی روندهایی که قرار است تصمیم‌گیری شود، تاثیربگذارد.

بعد از یک سال از آغاز به کار دولت مسعود پزشکیان، طی چند وقت اخیر باز هم سعید جلیلی فعال شده و اظهارنظرهایی را مطرح می‌کند که برخی از آنها حاوی نکاتی جنجالی است. تحلیل‌تان از اوج‌گیری این فعالیت‌ها چیست و چه شد که سعید جلیلی به این شکل فعال شده است؟

من خودم خیلی به این صحبت‌ها بها نمی‌دهم، روی این موارد می‌توان اسم «بدسلیقگی، بی‌تدبیری، بدفهمی، کج‌فهمی» را گذاشت و متاسفانه این افراد که منصب هم دارند، این حرف‌ها را می‌زنند. چند وقت پیش در رسانه ملی، اخوی ایشان مطلبی را گفتند که جنجال به پا شد و این بار هم که خود آقای سعید جلیلی موردی را گفتند. اینها به نظرم، با فضای این روزهای کشور تناسبی ندارد و نمی‌دانم چرا این افراد چنین مطالبی را می‌گویند. البته یک نکته دیگر هم وجود دارد و این نکته است که برخی هم تمایل دارند که این حرف‌ها را (که شاید فی‌نفسه ارزش و انعکاس نداشته باشد) به قصدهای دیگری بزرگ کنند. من این کار را هم نمی‌پسندم. در این شرایط دو موضوع وجود دارد که آزاردهنده است و به نفع فضای فعلی کشور در مسیر همدلی نیست. یکی از آنها، این صحبت‌هایی است که این آقایان مانند سعید و وحید جلیلی گفتند که اشاره کردم که این حرف‌ها بدسلیقگی و کج‌فهمی است. یکی دیگر هم افرادی هستند که مرتب این حرف‌ها را به شدت بزرگ می‌کنند. آنها هم از این کار خود، اهداف دیگری دارند. هدفی که دارند این است که این فضای همدلی را به سرعت به آشوب بکشانند. یعنی هر دو طرف دارند این کار را انجام می‌دهند. می‌خواهند از این آقایان نماد یک افراد ضدمذاکره بسازند و بعد چون خودشان هم طرفدار مذاکره هستند، بگویند این افراد ضدمذاکره چه افراد کوته‌بینی هستند. من فکر می‌کنم که هر دو طرف مسیر اشتباهی را می‌روند، این مسیر که می‌روند، مسیری است که مناسب فضای همدلی و همبستگی فعلی نیست.

سعید جلیلی به هر صورت و هر شکلی فردی شناخته‌شده در صحنه سیاست ایران است. تحلیل‌تان از جایگاه ایشان در سیاست ایران چیست و آیا این جایگاه تغییری کرده است؟

به نظرم، ایشان هیچ جایگاه موثری در هیچ کجای سیاست ایران ندارد. ایشان تنها یک عضو شورای عالی امنیت ملی است که در آن شورا افراد زیاد دیگری هم به غیر از آقای جلیلی وجود دارند و بعید است که آنها در یک سری موارد خاص از آقای سعید جلیلی تاثیر بگیرند. البته در شورا از نظرات ایشان استفاده می‌کنند اما بعید می‌دانم که تحت تاثیر این نظرات قرار بگیرند. حداقل ما بعد از دولت آقای پزشکیان، چنین سابقه‌ای نداریم. ممکن است بگویند که همفکران ایشان در مجلس موثر هستند. ما دیده‌ایم در ماه‌های گذشته، طرح‌ها و لوایحی که مطرح شده و دوستان آقای جلیلی یک دیدگاهی درباره آنها داشتند، موثر نبودند. در وزارت خارجه و وزارت کشور هم همین‌طور است. هیچ کجا ایشان نفوذی که موثر باشد را ندارد. فکر می‌کنم با اهداف دیگری، این حرف‌ها یک مقداری بزرگ‌نمایی می‌شود. ایشان یک نظرات خاصی را دارد. البته یک نکته را هم دقت کنید، ایشان با اختلاف نسبتاً کمی از آراء، بازنده انتخابات ریاست‌جمهوری شدند. یعنی حدود ۴۷ درصد از رای دهندگان به ایشان رای دادند. این را هم باید بالاخره مورد توجه قرار داد. این نوع افکار هم مورد احترام قرار بگیرد نه اینکه مورد هجو قرار بگیرد. ایشان